



دی ۱۳۹۹

اگر همه چیز متوقف شده است، پس به واقع می‌توان همه چیز را به چالش کشید، تغییر داد، انتخاب نمود، طبقه‌بندی کرد و یا متوقف ساخت، و یا برعکس، همه چیز را سرعت بخشید. اکنون زمان صورت‌برداری از موجودی سالانه است. خواسته‌ی عقل عمومی را که می‌گویید:

«تولید را هر چه سریع‌تر از سر گیریم»، باید با فریاد پاسخ گفت: «به هیچ وجه». بازگشت به آن چه پیش از این انجام می‌دادیم، آخرین گزینه خواهد بود.

در شرایطی که کادر درمان، به اصطلاح، در «خط مقدم» هستند، میلیون‌ها نفر شغلشان را ازدست می‌دهند و خانواده‌های داغدار زیادی حتی امکان خاکسپاری مردگان خود را ندارند، شاید برنامه‌ریزی برای پس از بحران، امری به‌جا و شایسته نباشد. با این حال، درست در همین لحظه است که باید مبارزه کرد تا پس از عبور از بحران، از سرگیری فعالیت‌های اقتصادی، منجر به بازگشت رژیم محیط زیستی سابق نگردد که تاکنون بی‌ثمر علیه‌اش مبارزه می‌کردیم.

درواقع، بحران سلامت محصور در امری است که یک بحران نیست - چرا که بحران امری گذراست - بلکه، عبارت از تغییرات زیست محیطی پایدار و غیرقابل بازگشت است. اگر اقبال «خروج» از اولی

[بحران سلامت] را داشته باشیم، هیچ بختی برای «خروج» از دومی [تغییرات زیست محیطی] نداریم. این دو وضعیت اگرچه در یک حد و اندازه نیستند اما هم‌نشین ساختن آنها باهم بسیار روشنگرانه است. به هر حال، مایه‌ی تأسف خواهد بود چنانچه از بحران سلامت برای کشف دیگر راه‌های ورود به مبحث تغییرات زیست محیطی، به غیر از مسیرهای کورکورانه [ی ورود به این بحث]، بهره نبریم.

نخستین آموزه‌ی ویروس کرونا شگفت‌انگیزترین درس آن نیز می‌باشد: در واقع اثبات شده است که سیستم اقتصادی که تا به حال گفته می‌شد امکان کاستن از سرعت آن یا تغییر مسیرش وجود ندارد، ممکن است در همه‌جا و به طور همزمان به حال تعلیق درآید. همواره با استناد به استدلال نیروی غیرقابل بازگشت «قطار توسعه» که چنان که گفته می‌شد «به دلیل» «جهانی شدن» هیچ‌چیز قادر به خارج کردن آن از ریل نیست، با تمامی استدلال‌های زیست محیطی در خصوص تغییر شیوه‌های زندگی مخالفت می‌شد. با این حال، این دقیقاً ویژگی جهانی این توسعه‌ی مشهور است که آن را تا این حد شکننده و مستعد آن می‌سازد که ترمز کرده و ناگهان متوقف شود.

در حقیقت، این تنها شرکت‌های چندملیتی، توافق‌نامه‌های تجاری، اینترنت یا برگزارکنندگان تورها نیستند که زمین را جهان می‌کنند: هر وجودی از این سیاره شیوه‌ی خاص خود را برای پیوند دادن

عناصر دیگری دارد که در یک مقطع زمانی مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند. این امر در خصوص دی‌اکسیدکربن که با پخش شدن در هوا باعث گرم شدن جو زمین می‌شود، و نیز پرنندگان مهاجر که اشکال جدیدی از سرماخوردگی (گریپ) را انتقال می‌دهند، صادق است؛ اما درستی آن را به نحوی دردآور در خصوص ویروس کرونا نیز درمی‌یابیم که توان پیوند دادن «همه‌ی انسان‌ها» را از طریق به ظاهر بی‌ضرر انواع ترشحات بزاقی دارد. خطاب به جهانی سازها: درخصوص مسئله‌ی اجتماعی کردن دوباره‌ی میلیاردها انسان میکروب‌ها نیز مطرح خواهند بود!

۴

تنها حامیان محیط زیست نیستند که این توقف ناگهانی در سیستم تولید جهانی را به مثابه فرصتی طلایی جهت پیشبرد برنامه‌هایشان می‌بینند.

با در نظر گرفتن مطالب بالا این کشف باورنکردنی محقق می‌شود: یک آژیر خطر به رنگ قرمز تند و یک دستگیره‌ی ترمز خطر بزرگ از جنس فولاد آبدیده، پنهان از همگان، در سیستم اقتصاد جهانی وجود داشته که سران دولت‌ها هر یک به نوبه‌ی خود، می‌توانستند «قطار پیشرفت» را با کشیدن آن، متوقف کنند. چنانچه در ماه ژانویه،

درخواست تغییر جهت ۹۰ درجه برای فرود آمدن بر زمین یک توهم شیرین به نظر می‌رسید، این امر امروز بسیار واقعی‌تر جلوه می‌کند: هر راننده‌ای آگاه است برای مهار فرمان اتوموبیل به نحوی نجات‌بخش بدون برخورد با مانع، بهتر آن است ابتدا از سرعت اتوموبیل بکاهد.

متأسفانه، این تنها حامیان محیط زیست نیستند که این توقف ناگهانی در سیستم تولید را به مثابه فرصتی طلایی جهت پیشبرد برنامه هایشان می‌پندارند. جهانی سازها، همان کسانی که از میانه‌ی قرن بیستم اندیشه‌ی گریز از محدودیت‌های جهانی را مطرح کردند نیز، فرصت را برای گسستن به شدیدترین وجه از باقی موانع موجود در مسیر گریزشان خارج از محدوده‌های زمینی، غنیمتی ارزنده می‌یابند. فرصت برای ایشان نیز پر ارزش است تا از باقیمانده‌های دولت-رفاه، حمایت‌های اجتماعی از فقیرترین اقشار و هر آن چه از مقررات جلوگیری از آلوده‌سازی [محیط زیست] باقی مانده است، رهایی یابند و نیز، به نحوی شرورانه، از تمام مردمان زایدی که ازدحام در زمین را موجب شده‌اند، خلاص شوند [۱].

به‌واقع، فراموش نکنیم که باید چنین فرض کرد که جهانی‌سازها از تغییرات زیست محیطی آگاهند و در طول پنجاه سال، تمام تلاششان این بوده است که اهمیت تغییرات اقلیمی را انکار نموده و همزمان با

ایجاد دژهایی مستحکم از امتیازات، از عواقب آن بگریزند؛ امتیازاتی که باید از دسترس همه ی کسانی که لازم است از برنامه حذف شوند، دور بماند. ایشان آنقدر ساده لوح نیستند که رؤیای با شکوه مدرن تقسیم جهانی « ثمرات پیشرفت » را باور کنند، اما چیزی که تازگی دارد آن است که آنقدر صادق هستند که درباره ی آن حتی امید واهی هم ندهند. اینان همان کسانی هستند که هر روز در فاکس نیوز نظرات خود را ابراز می کنند و بر تمام دولت هایی که اساس علمی تغییرات اقلیمی را انکار می کنند، حاکم اند: از مسکو تا برازیلیا، از دهلی نو تا واشینگتن در گذار از لندن.

۶ اگر همه چیز متوقف شده، پس همه چیز را می توان به چالش کشید.

آنچه شرایط فعلی را چنین خطر می سازد، تنها افزایش هر روزه ی تعداد مردگان نیست، بلکه تعلیق عمومی در یک سیستم اقتصادی است که فرصتی استثنائی را برای «به چالش کشیدن همه چیز» توسط کسانی که می خواهند در فرارشان به خارج از محدوده های زمینی بسیار پیش بروند، مهیا می سازد. نباید فراموش کرد که آن چه جهانی سازها را تا این حد خطرناک می سازد، این است که آنها بی تردید می دانند که باخته اند، که انکار تغییرات اقلیمی نمی تواند تا بی نهایت

ادامه یابد، که دیگر هیچ اقبالی برای آشتی میان «توسعه»ی ایشان با پوسته‌های گوناگون سیاره [زمین] که در نهایت درونش اقتصاد گنجانده شده [آشتی میان توسعه‌ی مد نظر ایشان و محیط زیست]، وجود ندارد. این، آنها را آماده‌ی هر تلاشی می‌کند تا کمی بیشتر دوام آورده و خود و فرزندانشان را مصون سازند. «توقف دنیا»، این ترمز ناگهانی، این ایست پیش‌بینی‌نشده، به آنها این فرصت را می‌دهد که هر چه سریع‌تر و به هر کجا چنان دور که هیچگاه تصورش را نمی‌کردند، بگریزند [۲]. در حال حاضر، آنها انقلابیون هستند.

همین جاست که باید دست به کار شویم. اگر فرصتی برای آنها ایجاد شده بر ما نیز گشوده شده است. اگر همه چیز متوقف شده است، پس همه چیز را می‌توان به چالش کشید، تغییر داد، انتخاب نمود، طبقه‌بندی کرد یا متوقف ساخت و یا برعکس همه چیز را سرعت بخشید. اکنون زمان صورت‌برداری از موجودی سالانه است. خواسته‌ی عقل عمومی را که می‌گوید: «تولید را هر چه سریعتر از سرگیریم»، باید با فریاد پاسخ گفت: «به هیچ وجه». بازگشت به آن چه پیش از این انجام می‌دادیم آخرین گزینه خواهد بود.

برای مثال، روزی در تلویزیون یک گل‌کار هلندی را با چشمانی پر اشک نشان می‌دادند که به علت نبود مشتری ناچار شده بود چندین تن گل لاله را که برای صدور به نقاط مختلف دنیا به وسیله‌ی هواپیما

آماده بود، دور اندازد. مسلماً چاره‌ای جز طرح دعوا باقی نمی ماند؛ منصفانه است که خسارت او جبران گردد. اما سپس، دوربین در حال عقب رفتن به ما نشان می دهد که وی گل ها را خارج از خاک و با نور مصنوعی پرورانده است پیش از اینکه با هواپیمایی باری در فرودگاه اسکپیول در بارانی از نفت سفید حمل شوند؛ این جاست که تردیدی بروز می کند: «آیا تداوم این شیوهی تولید و فروش این نوع گل به راستی سودمند است؟»

ما تبدیل می شویم به عوامل مؤثر گسست در جهانی سازی.

از این که بگذریم، چنانچه هر یک از ما به سهم خویش شروع به پرسیدن این قبیل پرسش ها در خصوص تمام جوانب سیستم تولید کند، هر یک از ما میلیون ها انسان به شکلی مؤثر تبدیل به عوامل گسست در جهانی سازی می شویم، همانطور که ویروس کرونا به شیوهی خاص خودش در جهانی شدن اثرگذار بود. آن چه ویروس به واسطه ی انتقال ذرات بزاق از دهانی به دهان دیگر حاصل می کند یعنی - تعلیق اقتصاد جهانی - ما به واسطه ی اقدامات کوچک زنجیروار خود ایجاد می کنیم: تعلیق سیستم تولید. با طرح چنین پرسش هایی از خود، هریک از ما دست به اقدامات پیشگیرانه نه تنها برای مقابله با کرونا می زنیم، بلکه در مقابل هر جزئی از الگوی تولید که نمی خواهیم از سر گرفته شود.

لذا دیگر موضوع از سرگرفتن یا اصلاح مسیر یک سیستم تولید نیست، بلکه خروج از تولید به مثابه یگانه اصل ارتباط با دنیاست. بحث از انقلاب نیست بلکه سخن از انحلال جزء به جزء است. همانطور که پیر شاربونیه نشان می‌دهد، پس از گذشت صد سال از سوسیالیسم محدود به بازتوزیع مزایای اقتصادی، شاید زمان آن رسیده تا سوسیالیسمی پدید آوریم که خود تولید را زیر سؤال می‌برد. این است که بی‌عدالتی تنها به بازتوزیع ثمرات پیشرفت محدود نمی‌شود بلکه بر شیوه‌های بهره‌کشی از زمین نیز حاکم است. منظور پسرقت یا زیستن با عشق و آب خنک [زندگی قلندرانه] نیست، بلکه منظور آموختن گزینش هر بخش از این سیستم به ظاهر غیرقابل بازگشت است، به چالش کشیدن هر یک از پیوندهای ظاهراً ضروری و آزمودن قدم به قدم آن چه مطلوب است و آن چه دیگر مطلوب نیست.

لذا اهمیت اساسی استفاده از این قرنطینه‌ی تحمیلی برای توصیف فردی و سپس گروهی چیزهایی که به آنها وابسته هستیم؛ چیزهایی که آماده‌ی رهایی از آن هستیم؛ زنجیرهایی که آماده هستیم از نو بسازیم و زنجیرهایی که با رفتارمان، تصمیم گرفته‌ایم قطع شان کنیم، آشکار می‌شود. به نظرمی‌رسد جهانی‌سازها طرح دقیقی از آن چه می‌خواهند با ازسرگیری امور، از نو زاده شدنش را ببینند، دارند: همان چیزهای قبلی اما به نحوی بدتر، صنایع نفتی به علاوه‌ی کشتی‌های

کروز غول آسا. این برماست که با یک فهرست جایگزین با ایشان مخالفت کنیم. اگر میلیاردها انسان در عرض یک یا دو ماه، در یک چشم بهم زدن می‌توانند، «فاصله گذاری اجتماعی» را و دور شدن از هم برای هر چه بیشتر متحد شدن را بیاموزند و در خانه بمانند تا در بیمارستان‌ها ازدحام نشود، به خوبی می‌توان توانایی تغییر این اقدامات پیشگیرانه را در مقابله با بازگشت به شرایط پیشین یا بدتر از آن در مقابل مانع جدید کسانی که می‌خواهند از جاذبه‌ی زمین هم قسر دربروند، دریافت.

ابزاری برای کمک به تشخیص

از آن جا که همواره پیوند یک استدلال [تئوری] به تمرینات عملی مفید فایده است، به مخاطبان پیشنهاد می‌کنیم، سعی کنند به این پرسش‌ها پاسخ دهند. چنان چه این امر مبتنی بر تجربه زیسته شخصی باشد، بسیار مفیدتر خواهد بود. موضوع صرفاً بیان آن چه به ذهن می‌رسد نیست بلکه توصیف یک وضعیت و شاید بسط آن به واسطه‌ی کمی تحقیق است. رسیدن به یک بیان سیاسی تجسم یافته و مشخص، تنها پس از آن خواهد بود که ابزار ترکیب پاسخ‌ها را برای شکل دادن به دورنمایی ایجاد شده به واسطه‌ی تجمیع توصیفات به خود بدهید، و نه پیش از آن.

توجه : این یک پرسشنامه نیست و نظرسنجی نیز نمی‌باشد. بلکه راهنمایی برای خود-توصیف‌گری است*.

موضوع عبارت از تهیه‌ی فهرستی از فعالیت‌هایی است که به واسطه‌ی دوران بحران کنونی، خود را از [انجام] آنها محروم می‌بینید، و [این امر] به شما احساس آسیب به شرایط اساسی زیستتان را می‌دهد. در خصوص هر یک از فعالیت‌ها می‌توانید مشخص کنید که تمایل به ازسرگرفتنشان به مانند گذشته، به نحوی بهتر، و یا اساساً حذف آنها دارید. به سؤالات زیر پاسخ دهید:

سؤال یک : فعالیت‌هایی که در حال حاضر معلق هستند و شما تمایلی به ازسرگرفته شدن آنها ندارید، کدامند؟

سؤال دو : شرح دهید : الف) چرا این فعالیت‌ها در نظر شما زیان آور/ زاید/ خطرناک/ ناهماهنگ هستند؟ ب) به چه ترتیب حذف/ توقف/ جایگزینی آنها می‌تواند سایر فعالیت‌هایی را که مرجح می‌دانید آسان‌تر/ منسجم‌تر نماید؟ (برای هر مورد از پاسخ‌های پرسش اول یک پاراگراف اختصاص دهید.)

سؤال سه : چه ترتیبی برای انتقال آسان تر کارگران / کارمندان / عوامل / کارفرمایان مشاغلی که حذف می کنید، به سایر فعالیت ها، توصیه می کنید؟

سؤال چهار : تمایل دارید کدام یک از فعالیت هایی که در حال حاضر معلق اند، توسعه یابند / از سر گرفته شوند یا فعالیت های دیگری برای جایگزین ساختن آنها به وجود آیند؟

سؤال پنج : شرح دهید: الف) چرا این فعالیت از نظر شما مثبت است؟
ب) به چه ترتیب این فعالیت سایر فعالیت هایی را که برای شما ارجح اند، آسان تر / هماهنگ تر / منسجم تر خواهد کرد؟ (برای هر یک از پاسخ های لیست شده در پرسش چهار یک پاراگراف اختصاص دهید).

پرسش ششم : چه ترتیبی برای کمک به کارگران / کارمندان / عوامل / کارفرمایان جهت تحصیل توانایی / وسایل / درآمد / ابزاری که منجر به از سر گرفتن / گسترش / ایجاد این دست فعالیت ها می شود، توصیه می کنید؟

سپس راهی جهت مقایسه توصیفات خود با توصیفات سایر شرکت کنندگان بیابید. تلفیق و جمع آوری پاسخ ها، به تدریج تصویری

مرکب از خطوط تعارض، اتحاد، مناقشه و اختلاف نظر ترسیم می‌کند).

این متن ترجمه‌ای است از:

[/imaginer-29/03/2020/https://aoc.media/opinion/les-gestes-barrieres-contre-le-retour-a-la-production-davant-crise](https://aoc.media/opinion/imaginer-29/03/2020/les-gestes-barrieres-contre-le-retour-a-la-production-davant-crise)

[۱] نگاه کنید به مقاله‌ای درباره‌ی لابی‌گران افسارگسیخته در ایالات متحده نوشته‌شده توسط مت استولر:

“The coronavirus relief bill could turn into a corporate coup if we aren’t careful”, *The Guardian*, 24.03.20

[۲]

Danowski, Deborah, de Castro, Eduardo Viveiros, “L’arrêt de monde”, in *De l’univers clos au monde infini* (متون جمع‌آوری شده و ارائه شده (ED. Hache, Emilie. Paris, Edition Dehors, ۲۰۱۴. ۲۲۱-۳۳۹.

[۳] خود-توصیف‌گری ادامه روند دفاتر انتقادات جدید در «برونو لاتور، کجا فرود آییم؟ چگونه درخصوص سیاست جهت‌گیری کنیم» را از سر می‌گیرد. پاریس، لادکورت، ۲۰۱۷ و بسط یافته از کنسرسیوم:

Où atterrir : <http://www.bruno-latour.fr/fr/node/841html>

*خود-توصیف‌گری ادامه روند دفاتر انتقادات جدید در «برونو لاتور، کجا فرود آییم؟ چگونه درخصوص سیاست جهت‌گیری کنیم» را از سر می‌گیرد. پاریس، لادکورت، ۲۰۱۷ و بسط یافته توسط گروهی از هنرمندان و محققین.